

شادکامی به مثابه سیاست

تاب‌آوری در توفان تحریم‌ها



قادر باستانی‌تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

بحران‌ها همیشه با خود فرصتی پنهان دارند. بازگشت تحریم‌ها، اگر چه جامعه را در معرض نگرانی و ابهام قرار داده، اما می‌تواند لحظه‌ای سرنوشت‌ساز برای بازنگری در شیوه حکمرانی باشد. تاریخ نشان داده است که ملت‌ها در سخت‌ترین شرایط، اگر امید و انسجام را تجربه کنند، نه تنها تاب می‌آورند، بلکه توان تازه‌ای برای پیشرفت می‌یابند. آیا می‌توان از این تهدید، فرصتی برای بازسازی اعتماد، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای شادکامی عمومی ساخت؟ از دید ارتباطات انسانی و نیز روان‌شناسی اجتماعی، تأکید مکرر بر انسجام، معمولاً نشانه وجود شکاف یا فرسایش اعتماد در جامعه است. انسجام با فرمان یا تبلیغ ایجاد نمی‌شود، بلکه نتیجه طبیعی احساس تعلق، عدالت و معنا در زندگی روزمره مردم است. وقتی افراد حس کنند که شنیده می‌شوند و در تصمیم‌ها سهم دارند، همبستگی یک واقعیت زیسته خواهد بود. امروز در ایران، هدف تحریم‌ها فقط اقتصاد نیست، روان جمعی جامعه نیز زیر فشار قرار گرفته است. طبیعی است که حس بلاتکلیفی و ابهام آینده، اضطراب اجتماعی ایجاد کند، اما تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که در همین لحظه‌های دشوار، جامعه‌ای که احساس کند صدایش در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود، به جای بی‌تفاوتی یا کناره‌گیری، به سرعت به سمت همبستگی و همکاری حرکت خواهد کرد. از این منظر فراخ‌ان به انسجام اگر با بازسازی اعتماد و اصلاح واقعی در الگوهای سیاست‌گذاری همراه شود، هم خطر شکاف را کاهش می‌دهد و هم فرصتی می‌شود، برای تقویت پیوندهای اجتماعی و بازایی امید عمومی. اما چه عاملی می‌تواند این چرخه امید و همکاری را تقویت کند؟ پاسخ در یک واژه نهفته است: شادکامی. شادکامی صرفاً یک احساس فردی نیست، بلکه شاخصی بنیادین برای سلامت اجتماعی و ثبات سیاسی است. جامعه‌ای شاد، جامعه‌ای منسجم‌تر، مقاوم‌تر در برابر بحران‌ها و کمتر متمایل به افراط‌گرایی است. درک باک، استاد برجسته دانشگاه هاروارد، در کتاب مهم خود «سیاست شادکامی» به همین نکته پرداخته است. او معتقد است، هدف یک دولت باید ارتقای کیفیت زندگی و شادکامی مردم باشد و سیاست‌ها زمانی موفق‌اند که بتوانند سطح رضایت و بهروری شهروندان را بالا ببرند. او «پارادوکس ایسترلین» را مطرح می‌کند که صرف بهبود معیشت مردم، تضمین‌کننده افزایش شادکامی نیست و لازم است شاخص‌هایی مثل اعتماد اجتماعی، کیفیت روابط انسانی و سلامت روان، مدنظر باشد. پژوهش‌های معتبر نشان می‌دهد که شادکامی بر ستون‌هایی استوار است. نخستین ستون، روابط اجتماعی قوی است. جامعه‌ای که افرادش احساس تنهایی یا بی‌پناهی کنند، ناشاد خواهد ماند. در ایران امروز که فشارهای بیرونی و درونی بر زندگی مردم سنگینی می‌کند، سیاست‌های دوستدار خانواده، تقویت همبستگی محلی و بازآفرینی سرمایه اجتماعی بیش از هر زمان دیگری ضروری است. ستون دوم، سلامت جسمی و روانی است. افسردگی، اضطراب و دردهای مزمن، در سکوت، کیفیت زندگی میلیون‌ها نفر را می‌کاهد. اگر سلامت روان همچنان در حاشیه باقی بماند، هر برنامه اقتصادی یا سیاسی نیز محکوم به شکست خواهد بود. سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های زندگی باید به قلب سیاست‌گذاری بدل شود. ستون سوم، کیفیت حکمرانی و اعتماد است. فساد، فقدان شفافیت و نادیده گرفتن مردم، بیش از هر عامل دیگری سرمایه امید را فرسوده می‌سازد. ستون چهارم، اشتغال و معنا در کار است. بیکاری تنها کاهش درآمد نیست، بلکه ضربه‌ای حیثیتی و روانی است که به کرامت انسان آسیب می‌زند. کارآفرینان و واثبات، بزرگ‌ترین منبع عزت‌نفس و امید اجتماعی است. ستون پنجم، امنیت مالی و رفاه پایه است. ترس از ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی، سرچشمه اصلی اضطراب جمعی است. مردم ایران بارها نشان داده‌اند که می‌توانند فشار اقتصادی را تحمل کنند، به شرط آنکه احساس کنند در بحران تنها گذاشته نمی‌شوند. حاکمیت اگر می‌خواهد جامعه‌ای مقاوم و پویا برتری داشته باشد، در کنار تأکید بر شعار انسجام ملی، برنامه‌ای واقعی برای ارتقای شادکامی مردم طراحی کند. گام اول این برنامه، بازسازی اعتماد عمومی از طریق شفافیت و مشارکت مردم است. در گام دوم، سرمایه‌گذاری در سلامت روان، به‌ویژه برای جوانان و طبقات فرودست، ضروری است. آنها بیشترین فشار را تحمل می‌کنند و اگر رها شوند، فرسایش اجتماعی گسترش می‌یابد. گام سوم، کاهش نابرابری و ایجاد امنیت معیشتی از طریق سیاست‌های حمایتی عادلانه، راهی است که اضطراب گسترده جامعه را مهار می‌کند. ملتی که احساس رضایت و معنادر زندگی کند، حتی در سخت‌ترین فشار را تحمل می‌کنند و کشور خود خواهد ایستاد، اما ملتی که امیدش را از دست داده باشد، نه دشمنی می‌کند و نه همکاری؛ تنها خاموش و فرسوده می‌شود.

۲۴ ساعت

24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



ترافیک ایران در اسکار

با اعلام حضور فیلمی از **شهرام مکر** در مشهورترین جایزه سینمایی جهان حضور کارگردانان ایرانی در این فستیوال به چهار نفر رسید



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

در شرایط خاصی قرار گرفته‌ایم. منظرم فقط این وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نیست که مردمان را دچار دل‌آشوبه کرده است. به هر سو بگیریم، حالتی از تعلیق و تردید می‌بینیم و در همین اثنا وقتی اخبار را مرور می‌کنیم، بر آن دو حالت، حالت سومی نیز افزوده می‌شود: بنام تعجب، نمونه می‌خواهید؟ دست به نقد بخوانید خبری را که دیروز صبح رسانه‌ها مخابره کردند: «فیلم معمایی» خرگوش سیاه، خرگوش سفید، به کارگردانی شهرام مکر، فیلمساز ایرانی، به‌عنوان نماینده تاجیکستان در بخش بهترین فیلم بین‌المللی اسکار انتخاب شد.» این فیلم محصول مشترک ایران، تاجیکستان و امارات است، با حمایت شرکت تاجیک‌فیلم و همکاری کمپانی دریم‌لب فیلمز در تاجیکستان ساخته شده و به زبان‌های تاجیکی و فارسی تهیه شده است. همچنین در آن بابک کریمی، هستی محمادی، کبری دیلوبووا و بزین داولیاتوف بازی کرده‌اند و تهیه‌کننده آن نیز نگار اسکندرفر است.

ایرانی‌ها در کانادا

این خبر را با یگانگی کنار احتمال دیگری که دوزخ پیش مطرح شد، مبنی بر اینکه ممکن است پس از اینکه فیلم تحسین شده «پیرپسر» از حضور در اسکار به نمایندگی از ایران بازماند، این بار شانس خود را در این رقابت با کشور کانادا آزمایش کند. کانادا البته یک‌ماه قبل فیلمی به‌نام «چیزهایی که می‌کشی» (The Things You Kill) را به نودوهمین دوره جوایز اسکار معرفی کرده بود. طنز ماجرا آنکه، کارگردان این فیلم نیز ایرانی است: علیرضا خاتمی، متولد ۱۳۵۹ که سابقه فعالیت در سینمای ایران را نیز داشته است. اینک اما تهیه‌کننده «پیرپسر»، حنیف سروری در گفت‌وگویی گفته است: «متأسفانه فیلم ما به دلایل نامعلوم از چرخه معرفی به اسکار از سوی ایران کنار گذاشته شد، اما اکنون روزنه امیدی برای معرفی آن از کشور کانادا ایجاد شده است. از آن جا که کارگردان ما شهروند کاناداست، این احتمال وجود دارد که بتوانیم فیلم را از طریق کانادا به اسکار بفرستیم. فیلم کاملاً آماده است و ما امیدواریم بتواند جایزه اسکار را به دست بیاورد؛ به‌همین دلیل اکران تورنتو آن را آغاز کردیم.»

توقیفی‌ها در اسکار

آن دلایل نامعلومی که سروری وجود آنها را باعث انتخاب‌نشدن «پیرپسر» می‌داند، البته خیلی هم نامعلوم نیست. «پیرپسر» فیلمی بود که حتی مجوز حضور در جشنواره فجر را نیز پیدا نکرد و اگر چه اکران تک‌سانس آن، موجی از تمجید و تحسین‌ها را برانگیخت، اما پس از اکران عمومی در سال جاری که البته به‌طرز باز عجیبی بدون حتی یک پلان سانسور‌شده انجام گرفت، جدا از برخی منتقدان، حتی برخی از نمایندگان نیز آن را نواختند. برای نمونه، نماینده کبودرآهنگ در مجلس به صحنه‌های «فساد و مشروب‌خواری» فیلم ایراد گرفت و چنین سینمایی را باعث افزایش طلاق دانست. از نظر حمید رسایی؛ «مهمترین هدف فیلم، زدن ولایت پدر و مفهوم خانواده است.» بر این جملات بیفزایید، اظهار خوشحالی مسعود فراستی از فرستاده‌نشدن چنین «فیلم بی‌آبرویی» تا در یابید ساخته اکتای برانه‌نی چه راه دشواری داشته است برای رسیدن به ساحل اسکار.

غراب‌ت همه این ماجراها البته وقتی بیشتر می‌شود که سرمان را از «پیرپسر» به نماینده انتخابی ایران بازگردانیم؛ فیلم تحسین‌شده «علت مرگ: نامعلوم» ساخته علی زنگار که سه‌سال توقیف بود و وقتی هم به سینماها رسید، اکران محدودی داشت. از پس همه آن بدبایری‌ها، اینک اما انگار شانس به فیلم روی آورده است. برکنار از این مسائل، اما به راستی با وضعیتی پیچیده مواجه نیستیم؟

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی

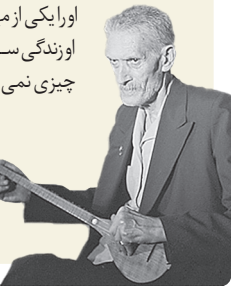
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

حافظ ردیف

سعید هرمزی (۱۳۵۵-۱۲۸۵) از استادان بنام تار و سهار بود. او در تهران و در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد و از کودکی با موسیقی آشنا گردید. هرمزی شاگرد مستقیم استاد آقا حسینقلی و میرزا عبدالله نبود، اما از طریق شاگردان و نزدیکان آن بزرگان، رموز نوازندگی اصیل را آموخت و خود به یکی از حافظان ردیف موسیقی ایرانی بدل شد. او علاوه بر نوازندگی دقیق و پرظرافت، حافظه‌ای قوی در نگهداری و انتقال ردیف داشت. تلاش او برای ثبت و ضبط بخشی از ردیف‌های کهن، موجب شد که بخش مهمی از میراث موسیقی دستگامی ایران برای نسل‌های بعدی محفوظ بماند. در سال‌های فعالیت‌اش با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی همکاری کرد و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود که هر یک بعدها نقش مهمی در تداوم موسیقی اصیل ایران ایفا کردند. هرمزی به‌ویژه در سهار، لحنی منحصر به فرد و سرشار از روحانیت داشت و بسیاری او را یکی از مهم‌ترین مرجع‌های نوازندگی این ساز می‌دانند. اوزندگی ساده‌ای داشت و جز به موسیقی و شاگردانش، به چیزی نمی‌اندیشید. محمدرضا لطفی، داریوش طلائی، حسین علیزاده و علنا جنگوک از جمله مطرح‌ترین شاگردان این استاد برجسته موسیقی ایران بودند. او در ۹ مهرماه سال ۱۳۵۵ از جهان رفت.



کتابخانه

مبارزه‌های آزادی خواهانه

کتاب «به سوی فروغ آزادی» از یک مقدمه، دو بخش و هفت فصل تشکیل می‌شود که در آن مسیر مبارزات آزادی‌جویانه ترسیم می‌شود. در بخش اول که به قرن‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ اختصاص دارد، گریلینگ بحث آزادی مذهبی و آزادی وجدان و تلاش اصلاح‌گران دینی برای مقابله با تعصب و جزمی‌نگری کلیسای کاتولیک را بررسی می‌کند و می‌گوید این امر در گسترش آزادی‌های امروزه بشر نقش بنیادینی داشته است. در همین بخش او فصلی را هم به مقابله مردمان با حکومت‌های مطلقه اختصاص می‌دهد. بخش دوم کتاب اما به مبارزاتی می‌پردازد که بردگان، کارگران و زنان صورت‌بندی کردند تا بتوانند از سایه ساختارهای برده‌داری، استثمار و مردسالارانه‌هایی بیاوند. در این درگیری که به‌خصوص در سده‌های نوزدهم و بیستم گسترش پیدا کرد، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در سطحی جامع گسترش یافت و در نهایت همه این تلاش‌ها خود را که تاسیس سازمان ملل متحد و اندکی بعد نگارش اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان داد.

به سوی فروغ آزادی

نویسنده:

آنتونی گریلینگ

مترجم:

مهدی نصرالله‌زاده

نشر: بیدگل



تاریخ

نبرد گوگمل



در اول اکتبر سال ۳۳۱ پیش از میلاد، در گوگمل واقع در چند کیلومتری جنوب شرقی ویرانه‌های شهر نینوا، داریوش سوم در رأس نیرویی مرکب از هزاران نفر از جمله واحدهای سواران سکایی و

بلخی، حدود ۲۰۰ ارباب جنگی و ۱۵۰۰۰ فیل خود را برای نبرد نهایی با اسکندر مقدونی آماده کرد. یکی از تغییراتی که داریوش سوم در جنگ‌افزار ارتش ایران داده بود، این بود که به جای شمشیر کوتاه معمول مادی-هخامنشی، شمشیرهای بلند و عریضی تدارک دیده بود که پاسخگویی شمشیرهای بلند یونانیان باشند. پیش از شروع جنگ، اسکندر با دیدن عظمت سپاه ایران، بدون توجه به درخواست سرداران سپاه‌اش، با سواران قدیمی یونانی خود ناگهان به قلب سپاه ایران- جایی که داریوش سوم مستقر بود- تاخت و به موضع داریوش رسید. چنین ترفندی، داریوش را به فرار واداشت و وقتی خبر گریز داریوش سوم به سپاهیان ایران رسید، آنان نیز از پادشاه خود پیروی کردند و سپاهیان یونانی و مقدونی که وحشت فراوان از سپاه بزرگ ایران داشتند، با مشاهده فرار سپاهیان ایران، به آنان تاخته و بسیاری از آنان را که در حال فرار بودند به قتل رساندند.

بستگی دارد

نقل قولی رایج در میان ایرانیان البته به ما می‌گوید: «بستگی دارد.» به این مسائل چگونه‌بگیریم، از نظرگاهی خوش‌بینانه، این‌ها نشانه‌هایی از جامعه ایران است و اینکه ایرانیان در هر کجا قرار بگیرند، می‌توانند بر خشدن با لاقال برای کسب موفقیت، خود را به مرزهای ملی محصور نمی‌کنند. از منظر بدبینانه‌اما اینها را باید پای شکافی چشم‌پوشیدنی میان دولت و ملت نوشت. آن دیدگاه اول به ما می‌گوید، چه ایرادی دارد که در اسکار ۲۰۲۶ چهار ایرانی به رقابت بپردازند و بالاخره هر کدام موفقیتی کسب کنند؛ افتخاری خواهد بود برای ایران. طرفداران نگرش دوم اما شاید بپرسند چرا همه این سینماگران و روزشکاران نخست در درون مرزهای ایران به رقابت نپردازند و چرا نباید حکمرانی فرهنگی ما ظرفیتی بیشتر برای جذب نداشته باشد؟